

هیچ عذری وجود ندارد

دیو اسخوت*



ترجمه‌ی کوشیار پارسی



نویسنده‌ی هلندی، دیو اسخوت، در این یادداشت، ۲۶ بهانه‌ای را مرور می‌کند که آدم‌ها برای چشم‌پوشی از آنچه در غزه می‌گذرد، به کار می‌برند؛ بهانه‌هایی که خودش از اطرافیانش شنیده، و بعضی را حتی خودش به کار برده است.

در دوران دبیرستان، از خودمان می‌پرسیدیم چطور ممکن است هر روز غیرنظامیان بی‌گناه کشته شوند، و در همان لحظه، مردم در جاهای دیگر دنیا، بی‌هیچ تغییری به زندگی روزمره‌شان برسند. خب، همین‌طور. ما در ماه‌های اخیر، این را به‌خوبی نشان داده‌ایم.

در قالب نوعی پژوهش شخصی، شروع کردم به جمع‌آوری بهانه‌هایی که آدم‌ها – و گاهی خودم – برای کنار آمدن با این واقعیت تلخ می‌تراشند. نه برای دل‌خوشی این را می‌نویسم، نه برای احساس خوبی که از افشاگری می‌آید. خودم هم بارها، به این بهانه‌ها پناه برده‌ام.

۱. اسرائیل حق دارد از خودش دفاع کند.

یکی از قوی‌ترین و دیرپاترین بهانه‌هاست. چون به‌ظاهر درست است، اما ربطی به ماجرا ندارد. شلیک به غیرنظامیانی که دنبال غذا هستند – فقط یک نمونه – هیچ ربطی به «دفاع» ندارد. اگر این را نمی‌بینی، گمراهی. اگر می‌بینی، ولی باز هم پافشاری می‌کنی، یعنی به‌خوبی موفق شده‌ای خودت را گول بزنی.

۲. پس اسرائیل باید چه کار کند؟

پرسشی‌ست که وانمود می‌کند بی‌پاسخ است، در حالی که هست: دست‌کم نباید آدم‌هایی را که تصادفی سر راهش قرار می‌گیرند، بکشد. این هم در نهایت شکل دیگری از همان دفاعِ بند یک است.

هیچ عذری وجود ندارد

۳. کشتار حماس در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ وحشتناک بود.

قطعاً. اما این واقعیت، چیزی از وحشت جنایت‌های جنگی علیه فلسطینی‌ها کم نمی‌کند.

۴. هنوز هم گروگان‌های اسرائیلی در اسارت‌اند.

درست است. و باز هم: بند ۳ را ببین.

۵. خودشان مقصرند؛ باید حماس را سرنگون می‌کردند.

با این منطق، ما باید به مردم غیرمسلح روسیه هم شلیک کنیم. اگر واقعاً این‌طور فکر می‌کنی، گمراهی. اگر نه، پس داری از بهانه‌ای استفاده می‌کنی که حتی خودت هم به آن باور نداری.

۶. این موضوع خیلی پیچیده است.

تاریخ این درگیری پیچیده است. اما گرسنه نگه داشتن آدم‌های بی‌گناه، پیچیده نیست. اگر نمی‌دانی کشتن غیرنظامی کار اشتباهی است یا نه، مسئله‌ات اخلاقی است، نه تحلیلی.

۷. این جنگ بر سر بقاست. اگر ما آن‌ها را نکشیم، آن‌ها ما را می‌کشند.

منطقی است که همیشه در پشت نسل‌کشی‌ها پنهان بوده.

۸. اطلاعاتم کافی نیست.

برای تشخیص جنایت جنگی، لازم نیست کارشناس باشی. برای همین روزنامه‌نگار و پژوهشگر و حقوقدان وجود دارد. آن‌ها بررسی کرده‌اند، نتیجه‌اش هم مشخص است. ادامه‌اش بر عهده‌ی توست.

۹. هیچ‌وقت دقیق نمی‌فهمیم آن‌جا چه می‌گذرد.

در مورد هیچ‌جای دنیا، هیچ‌وقت «دقیق» نمی‌فهمیم. اما این را می‌دانیم: مردم در غزه بمباران و گلوله‌باران می‌شوند، گرسنگی می‌کشند، و آواره‌اند. متخصصان هم همین را می‌گویند. اگر بگویی «اطلاعات کافی نیست»، داری نظر کارشناسان را انکار می‌کنی.

۱۰. پیگیری نمی‌کنم؛ طاقت ندارم.

تو به‌خوبی طاقت‌اش را داری. فقط نمی‌خواهی مزاحم خوشی‌ات شود.

۱۱. این فعالان طرفدار فلسطین، آدم‌های خودشیفته‌ای‌اند.

ممکن است باشند. اما اگر داوری اخلاقی‌ات بستگی به شخصیت همراهانت دارد، آن داوری به درد نمی‌خورد. و این داوری بی‌اثر، در عمل باعث انحراف توجه از فاجعه‌ی واقعی می‌شود.

۱۲. هلند در سیاست جهانی، بازیگر کوچکی‌ست. کاری ازمان بر نمی‌آید.

درست است؛ اما ما همین صدای کوچک را داریم، و وقتی از آن استفاده نمی‌کنیم، داریم به اسرائیل می‌گوییم: بفرما، ادامه بده.

۱۳. اتحادیه‌ی اروپا باید کاری بکند.

هلند بخشی از اتحادیه‌ی اروپاست. پس می‌تواند نقش داشته باشد. برای جزئیات، بند ۱۲ را ببین.

۱۴. حماس از مردم به‌عنوان سپر انسانی استفاده می‌کند.

این استدلال به گرسنه نگه‌داشتن چه ربطی دارد؟ این فقط تکرار تبلیغات رسمی‌ست. اگر کودکانها بمیرند، باز هم تقصیر حماس است؟

۱۵. این نسل‌کشی نیست.

هیچ عذری وجود ندارد

می‌توانم پژوهشگرانی را نشان بدهم که نظر دیگری دارند، اما تو فقط می‌خواهی بحث بی‌پایانی راه بیندازی. اسمش را بگذار جنایت جنگی. بچه‌هایی که از گرسنگی می‌میرند، برایت چه فرقی می‌کند اسمش چیست؟

۱۶. فقط متن می‌خوانم، تصاویر را نمی‌بینم. آسیب می‌زنند.
درست است؛ دیدن بعضی صحنه‌ها، روان را متلاشی می‌کند. اما گاهی اجتناب از دیدن، تبدیل می‌شود به اجتناب از همدلی.

۱۷. چرا واکنش فلسطینی‌ها به مرگ، این‌قدر عجیب است؟
روی تفاوت‌ها تمرکز کن: زبان، فرهنگ، رنگ پوست. با این ترفندها، فاصله‌ها را بیشتر و همدلی‌ات را کمتر می‌کنی.

۱۸. من آدم سیاسی‌ای نیستم.
همین که تصمیم بگیری سکوت کنی یا نه، یک کنش سیاسی‌ست.

۱۹. معلوم است که با نسل‌کشی مخالفم. همه مخالف‌اند.
اگر همه مخالف بودند، چنین اتفاقی نمی‌افتاد. حتی اگر مخالفت در دل‌شان باشد، تا وقتی صدایش شنیده نشود، بی‌فایده است.

۲۰. سودان را دیده‌ای؟ آن‌جا هم اوضاع فجیع است.
بله؛ اما این، درد فلسطینی‌ها را کم نمی‌کند. ضمن این‌که رابطه‌ی هلند با طرف‌های درگیر در سودان هرگز به اندازه رابطه‌ی هلند با اسرائیل گرم نیست.

۲۱. کسی علیه حماس تظاهرات نمی‌کند.
می‌توانی آزادانه علیه حماس شعار بدهی. اما مقایسه‌ی حماس و دولت اسرائیل، بی‌معناست. بند ۲۰ را ببین.

۲۲. این اتفاقات همیشه می‌افتند؛ ذات بشر همین است.

با این نگاه، آدم‌های واقعی و رنج واقعی‌شان، به بازی ذهنی تبدیل می‌شوند. این دیدگاه، فقط فاصله‌ات را با واقعیت بیشتر می‌کند.

۲۳. آن‌قدر این وضعیت برایم سنگین است که نمی‌توانم کاری بکنم.

یک‌جایی «پذیرش ناتوانی» تبدیل می‌شود به «غرق شدن در ناتوانی»؛ و تمرکزت از رنج دیگران، به حال خودت منتقل می‌شود.

۲۴. از خودم متنفرم.

این نفرت از خود، فقط شکلی دیگر از فلج‌شدن است. بند ۲۳ را ببین.

۲۵. پیگیری می‌کنم، ولی نمی‌خواهم همیشه درگیرش باشم.

می‌توانی درباره‌ی جنایت چیزی بخوانی، ولی درکی از آن نداشته باشی. این هم نوعی بی‌تفاوتی‌ست.

۲۶. اوه آره، غزه... چه بد، مگه نه؟

تکمله‌ی مترجم:

هم‌وطنان ایرانی البته دیدگاه‌های هیجان‌انگیز دیگری هم دارند که می‌توان بر این افزود:

«اما درد من بیشتر از غزه، درد ایران است.»

و بعد، همین زخم‌های واقعی و فراموش‌نشده‌ی، به استدلالی تبدیل می‌شود برای توجیه مرگ هزاران کودک. گویی آن‌ها «حق‌شان» بود بمیرند، چون ما شاهد رنج شخصی خودمان هستیم.

هیچ عذری وجود ندارد

انگار نمی‌شود از غزه گفت، بی‌آن‌که متهم شد به جانبداری از ظلمی دیگر. انگار نمی‌شود هم به رنج خود اندیشید، هم به رنج دیگری، بی‌آن‌که یکی را انکار کرد.

متن اصلی: [این‌جا](#)